

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران  
۲۹ جنوری ۲۰۲۲

## اهمیت منطقه ئی قزاقستان و ارتباط آن با تحولات افغانستان

تحولاتی که در قزاقستان به دنبال اعتراضات توده ئی در اول سال نو میلادی به وقوع پیوست ربط مستقیمی به تغییر و تحولات در افغانستان داشته و عواقب آن منطقه آسیای میانه و همچنین ایران و افغانستان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. این اعتراضات توسط قدرت حاکم به شدت سرکوب شد اما با تغییرات مهمی در ساختار سیاسی این کشور همراه بود و در حدت تضادهای منطقه ئی و جهانی امپریالیست ها نقش داشت. به همین دلیل از اهمیت بسیاری برخوردار است و ما را ملزم می سازد که به تجزیه و تحلیل این وقایع و چگونگی ربط آن به تحولات اخیر افغانستان و اولویت امروزی امپریالیسم امریکا بپردازیم و این سؤال را مورد بررسی قرار دهیم که آیا می توان تحولات در قزاقستان را ضد حمله ای از جانب روسیه ارزیابی کرد یا خیر؟

### ۱- اعتراضات توده ئی مردم در برابر افزایش قیمت گاز مایع

سال نو میلادی در قزاقستان با دوبرابر شدن قیمت گاز مایع آغاز گردید. این افزایش قیمت تحت عنوان اصلاحات اقتصادی با از بین بردن یارانه و اتصال آن به بازار بورس انجام پذیرفت. توده های عظیم مردم زحمتکش حاضر به قبول این "پیام آغاز سال نو" نشده و در ابعادی وسیع و سریع روز بعد به خیابانها سرازیر شدند. جرقه این اعتراضات در غرب کشور، در منطقه تولید عظیم گاز زده شد. زحمتکشانی که شاهد چگونگی ربوده شدن دسترنج خود توسط باندهای مافیائی قدرت با ثروتهای نجومی اند. شهر ژان اوژن یکی از شهرهای مهم منطقه نفت خیز، بندر آکتائو در سواحل بحیره خزر، آلماتی و آستانا و بسیاری از شهرها و شهرستان های دیگر بپا خاستند. رژیم در اولین اقدام اینترنت و موبایل را قطع کرد و گزارش از هر واقعه ای امنیتی اعلام شد. این خیزش سراسری آنچنان بود که در مدت کمتر از ۲۴ ساعت نیروهای پولیس و انتظامی عاجز از کنترل اوضاع شدند. حتی بخش هائی از آنان به مردم پیوسته و یا بدون مقاومت سلاح هایشان را زمین گذاشتند. کاخ محل اقامت نظربایف رئیس جمهور سابق اما کماکان دارای قدرت به آتش کشیده شد. درگیری های روزهای اول دهها کشته و صدها زخمی به جا گذاشت.

رئیس جمهور توکایف با مشاهده چنین اوضاعی از یک طرف برای آرام کردن مردم سخن از مذاکره با معترضان نمود و از طرف دیگر با درخواست از پوتین جهت ارسال سریع نیروهای نظامی تقاضای کمک کرد. اگر چه سیر حوادث نشان می دهد که چنین تقاضائی از قبل مشخص بوده است. روسیه تحت عنوان "سازمان پیمان امنیت جمعی" که یک

بیمان دفاعی شامل روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان می باشد در مدت کمتر از یک روز ۷۵ هواپیما، صدها تانک و نفربر به همراه ۲۵۰۰ نیروی ویژه را در خاک قزاقستان پیاده و مستقر کرد.

یکی از اهداف معترضان کنار گذاشتن نظربایف و انحلال کابینه ای بود که اساساً توسط او دست چین شده بود. مجسمه های نظربایف به زیر کشیده شد. اما دیکتاتور ۸۱ ساله قدرت را رها نمی کرد. رئیس جمهور، کابینه را منحل کرد و از افزایش قیمت گاز مایع برای ساکت کردن اعتراضات عقب نشینی نمود. قیمت گاز مایع حتی به کمتر از دوران قبل از افزایش خود نزول کرد.

اما با رسیدن نیروهای ویژه روسیه و کنترل نسبی اوضاع با اعلام وضعیت اضطراری و حکومت نظامی سیاست مذاکره با معترضان کنار گذاشته شد و سرکوب عریان آغاز گشت. رئیس جمهور دستور شلیک بدون اخطار و سؤال را صادر کرد. برخی خبرنگاران تعداد دستگیری ها را بالای ۱۰ هزار نفر، زخمی ها را چند هزار و کشته شدگان را صدها تن گزارش کرده اند. علی رغم آن مبارزات ادامه یافت و شعارها به عدالت اجتماعی، علیه فساد اقتصادی و آزادی های سیاسی ارتقاء یافت.

اعتراضات علیه سیاست های ضد مردمی در قزاقستان اولین بار نیست و در دو دهه گذشته به خصوص در دهه گذشته مبارزات بسیار مهمی توسط زحمتکشان به راه افتاده که به صورت خونین سرکوب شدند، از جمله می توان به مبارزات کارگران تن گیزچوراول در سال ۲۰۱۱ در شهر نفتی ژان اوژن که دهها نفر کشته و صدها نفر زخمی و بسیاری دستگیر شدند و مبارزات سالهای ۲۰۱۶، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ در شهرهای مختلف اشاره کرد. ارتجاع حاکم در تمامی این دوران قول اصلاحات می داد اما بعد از فروکش این جنبش ها اصلاحاتی به نفع مردم انجام نمی پذیرفت بلکه تغییراتی که به نام اصلاحات در سیاست های اقتصادی صورت می گرفت به نفع سرمایه داران و شرکت های خارجی بود که اوضاع مردم را بدتر می کرد.

## ۲- زمینه های نارضایتی سیاسی و اقتصادی مردم

قزاقستان کشوری پهناور و غنی است با جمعیتی زیر ۲۰ میلیون نفر و مساحتی به اندازه کل اروپا یعنی ۲ میلیون و هفتصد هزار کیلومتر مربع که آن را مهمترین کشور آسیای میانه می کند. قزاقستان ۷۰۰۰ کیلومتر مرز خاکی با روسیه و مرز عظیم ۱۷۸۰ کیلومتری با چین دارد. بعد از به قدرت رسیدن بورژوازی در روسیه، خروشچف جهت کنترل بیشتر قزاقستان با "کارزار سرزمین بکر" بین سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ بسیاری از صنایع روسیه و هم زمان جمعیت عظیمی از اهالی روس را با رشوه و پاداش های فراوان به آن سرزمین انتقال و اسکان داد. تا سال های ۷۹، اهالی روس در قزاقستان به ۵ و نیم میلیون نفر یعنی به ۴۰ درصد کل اهالی رسید. در سال ۸۶ گورباچف جنادی کولینین را به صدر حزب در قزاقستان انتصاب نمود. او هیچ ریشه ای در قزاقستان نداشت و کاملاً با کشور بیگانه بود. بعد از مدتی کوتاه مخالفت ها و اعتراضات شدت یافت و نور سلطان نظربایف به ریاست حزب انتصاب شد و بعد از فروپاشی بلوک شرق نظربایف خود را رئیس جمهور اعلام نمود. نظر بایف با شعار "اقتصاد در مقام نخست" به سرمایه های خصوصی اجازه فعالیت داد. اما این اجازه در واقع پوششی بود که از طریق آن کنترل کامل اقتصاد کشور را به دست خود گیرد. خانواده او علاوه بر نفت و گاز، منابع غنی طبیعی، ساختمان سازی، بانکداری، مخابرات، بازار واردات و صادرات را به دست خود گرفتند. در واقع سرمایه های ملی از طریق قدرت سیاسی، فساد و جبر به سرمایه های شخصی مبدل گشت.

نظربایف با طرح آزادی فعالیت های سرمایه های خصوصی و با خصوصی سازی سرمایه های دولتی که در حقیقت همان جهت گیری نئولیبرالیستی توصیه شده از جانب نهادهای مالی امپریالیستی وابسته به غرب، بود ثروت های ملی را به انحصار خود درآوردند. بخش تولید مواد خام اساساً به سرمایه های خارجی سپرده شد و در عرصه گاز و نفت اکسون موبیل امریکا، توتال فرانسه و شرکت عظیم انگلیس- هالندی شل اکثریت قراردادها را در دست خود قبضه کردند. شرکت های چند ملیتی خارجی با سرمایه های عظیم میلیاردی به همراه سرمایه داران نوین بوروکرات و دلال قزاقستان در هم آمیخته شد و کنترل اقتصاد را به انحصار خود در آوردند. همه گیری ویروس کرونا و عدم تلاش جدی رژیم برای مقابله با آن به همراه خصوصی سازی سیستم درمانی بار سنگینی را به دوش زحمتکشان نهاد. برای نزدیک به نصف مردم قزاقستان امکان خرید مواد اولیه خوراکی و امکان درمان حتی بیماری های سطحی موجود نیست. اما هم زمان در همین دوره کرونا تعداد میلیاردرها دو برابر و ثروت شان ۱۰۰ درصد افزایش یافت. مردم برای خرید مایحتاج اولیه زندگی از پس انداز بازنشستگی دولتی استفاده می نمایند. خالی شدن صندوق های بیمه آن ها را در خطر گرسنگی بعد از بازنشستگی قرار می دهد. زمین های مرغوب کشاورزی و مراعات در ابعاد میلیون ها هکتار به همراه نیروی کار ارزان نگاه داشته شده با پرداخت رقمی ناچیز تحت کنترل سرمایه داران خارجی به ویژه چین درآمدند. قزاقستان از بزرگترین تولید کنندگان غله و دانه های روغنی و گوشت در جهان است. هم زمان معادن عظیم مس، آهن و به ویژه اورانیوم، به همراه گاز و نفت به آن کشور جایگاه ویژه داده است. ۴۰ درصد معادن اورانیوم جهان در قزاقستان است. خریدار تقریباً مطلق این ماده روسیه است که به آن ها برای تولید انرژی در داخل و خارج و هم چنین تولید سلاح های هسته ای وابستگی کامل دارد. کلیه فعالیت های سرمایه گذاری در کلیه رشته ها، بدون رشوه، حق واسطه و در نظر گرفتن سهم نظربایف ممکن نبوده، فساد جامعه را فلج کرده و دامنه و عمق آن هر روز بیشتر می شود. بر اساس آمارهای به دست آمده نظربایف به همراه ۱۶۲ نفر از طایفه و نزدیکانش بیش از نیمی از ثروت قزاقستان را صاحب شده که بیشتر آن را از کشور خارج کرده و در بانک های امپریالیستی انباشته اند. انحصار قدرت و ثروت در دست عده ای بسیار قلیل با فقر گسترده در سراسر کشور رابطه مستقیمی دارد. فقر اقتصادی با قهر نظامی و بی حقوقی سیاسی تکمیل می گردد. این در واقع عوامل زیر بنایی خیزش های اخیر است.

### ۳- قزاقستان بعد از فروپاشی بلوک شرق و رقابت امپریالیستی برای نفوذ در دستگاه سیاسی و اقتصادی

قزاقستان در چند دهه گذشته محل کشمکش و رقابت میان غرب و روسیه و موضوع نگرانی روسیه از جهت پیشروی های چین بوده است. بعد از فروپاشی روسیه و جدائی کشورهای مختلف به همراه تضعیف قدرت روسیه در منطقه، از یک طرف امپریالیست های امریکائی، اروپائی تلاش نمودند در این کشورها نفوذ کرده و به ویژه در قدرت سیاسی سهیم و یا آن را کاملاً به سمت خود جلب کنند. در قزاقستان صنایع نفتی و گازی، معادن عظیم و به ویژه اورانیوم، کشاورزی و دامداری به سرمایه های خارجی و تکنولوژی کشورهای امپریالیستی نیاز فراوان داشت و همین مسأله باعث شد بسیاری از آنان به این نقطه از جهان کشیده شوند. سرمایه گذاری های عظیمی از طرف کشورهای اروپائی، امریکا و چین صورت گرفت. نظربایف قصد داشت با ایجاد رابطه با غرب و تا حدودی چین نفوذ و کنترل روسیه بر قزاقستان را محدود نماید. بی دلیل نیست که مجله امریکائی فوربس در تحلیلی در ۷ جنوری ۲۰۲۲ از این جهت گیری نظربایف چنین تجلیل می کند: "نظربایف سال ها قزاقستان را خوب اداره می کرد به ویژه آن که روسها را تقریباً کنار گذاشته بود."

از طرف دیگر چین مدت هاست مناسبات تجاری عظیم و سرمایه گذاری های مهمی را در قزاقستان انجام داده است. در عرصه کشاورزی کمپانی های خارجی – به ویژه چینی – با رشوه های کلان به مقامات وابسته به نظر بایف، زمین های وسیعی را برای مدت های طولانی کرایه نموده و محصولات تولید شده را به کشورهای خود صادر می کنند. کشورهای خارجی بهترین زمین های کشاورزی و مراتع را به اختیار خود در آوردند و مدت ها بود که مردم در ابعادی عظیم به این سیاست ها اعتراض داشتند. مردم بومی مجبور بودند مرغوب ترین زمین ها و مراتع را رها کنند و به مکان دیگری کوچ کنند و یا برای شرکت های خارجی کار کنند. هم چنین لوله های صادرات نفت از قزاقستان به چین و نقش ویژه داشتن این کشور در پروژه راه ابریشم و هم چنین روابط تجاری و سرمایه گذاری های وسیع نشان از محکم تر شدن جای پای چین در قزاقستان دارد. این موضوع نگرانی روسیه را نیز به همراه داشته است. چند سال قبل یک سرمایه دار روسی به نام کولوکفسکی قرار داد خط لوله نفتی نوین از قزاقستان به چین را امضاء نمود، پوتین او را دستگیر و به ۸ سال زندان محکوم کرد. هم چنین نظر بایف جهت جلب حمایت چین، نفت قزاقستان را با قیمتی ارزان به چین می فروخت، او بارها به درخواست پوتین جهت فروش نفت به قیمت بازار به چین اهمیتی نداد. بدون شک روسیه از نفوذ اقتصادی و تا حدودی سیاسی چین در قزاقستان خرسند نبود و چین هم از نقش روسیه در تحولات اخیر قزاقستان راضی نبود و امیدوار بود که از نیروهای "پیمان همکاری شانگهای" برای سرکوب اعتراضات دعوت شود تا از این طریق هم موقعیت امریکا را تضعیف نموده و هم جای پای محکم تری را در قزاقستان و کل آسیای میانه بیابد. اما علی رغم این تضادها، چین و روسیه به خاطر تضاد مشترک اشان با امریکا سکوت موقتی در مقابل یکدیگر را برگزیدند. چین نیز نگران آن است که اروپا و امریکا از این فرصت برای انجام انقلابات رنگی در قزاقستان و آن طرف مرز در چین استفاده نمایند. به همین دلیل در رابطه با اعتراضات اخیر، دولت چین پشتیبانی کامل خود را از رئیس جمهور، دولت قزاقستان و تمامیت ارضی و هم چنین آمادگی برای کمک به "حفظ نظم و قانون" در این کشور را اعلام کرد. وزیر خارجه امریکا – آنتونی بلینکن در برخورد به تحولات اخیر و نقش روسیه گفت: ما نمی فهمیم چرا دولت قزاقستان مجبور به تقاضا از روسیه جهت آرام کردن اوضاع شده است. آن ها توان انجام مستقلانه این کار را داشتند. ضمناً به حکومت قزاقستان توصیه می کند که از تاریخ درس بگیرند: "روسها اگر پای خود را در جایی بگذارند، بیرون کردنشان دشوار است!" منظور واقعی بلینکن این است که به جای روس ها باید از امریکائی ها دعوت می شد. انگار این که وقتی امریکا کشوری را تحت سلطه خود می گیرد به آسانی آن را رها می سازد. او به این دلیل می گوید که قزاقستان انجام مستقلانه این کار را داشت چون امپریالیست های امریکائی امیدوار بودند که با استفاده از ارتش قزاقستان در سرکوب جنبش، احتمال آن موجود بود که ارتش و جنرال های کهنه کار هوادار نظر بایف، رئیس جمهور طرفدار روس، توکایف را کنار زده و موقعیت امپریالیست های امریکائی در قزاقستان را محکمتر نماید.

اما برای امپریالیست های روسی، قزاقستان از اهمیت ستراتیژیک و هم چنین منافع اقتصادی و سیاسی بسیاری برخوردار است. بعد از به قدرت رسیدن نظر بایف و سیاست های ضد روسی بسیاری از مردم ملیت روس مجبور به ترک قزاقستان شدند و جمعیت آنان از ۴۰ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافت. اما قزاقستان برای سلطه روسیه بر آسیای میانه و در کل آسیا نقش کلیدی دارد. به همین علت به وقایع قزاقستان با حساسیت و قاطعیت برخورد می کند. به خصوص از اوایل قرن ۲۱ که روسیه در حال ترمیم ضربات ناشی از فروپاشی بود. روسیه و چین برای نفوذ ستراتیژیک در منطقه آسیای میانه پیمان همکاری شانگهای را پایه ریزی نمودند و قزاقستان نیز عضو این پیمان شد. از طرف دیگر روسیه مبتکر "سازمان پیمان امنیت جمعی" که یک پیمان دفاعی بود. با این "پیمان" قصد دارد کشورهای عضو و کشورهای سابق اتحاد شوروی را که عضو آن نمی باشند به نوعی به اقرار خود مبدل سازد. امپریالیست های

روسدر دو دهه گذشته توانسته اند موقعیت خود را در منطقه تقویت کنند. الحاق کریمه و ایجاد مناطق تحت نفوذ روسیه در مرز اوکراین، مناطقی که اکثریت آنان از ملت روس می باشند و تهدید به اشغال نظامی آن مناطق، الحاق بخشی از گرجستان، درگیر شدن در ارمنستان به مثابه نیروهای حافظ صلح، نجات حکومت لوکا شنکو در بلاروس از سقوط و در قزاقستان تصفیه حساب های جناحی به نفع خود از نمونه های این تقویت مسلح در منطقه است.

حکومت کنونی با کمک مستقیم ارتش روسیه به قدرت رسید و جناح مقابل را از قدرت عزل کرد. اگر عکس العمل سریع روس ها نبود، احتمال آن می رفت که طرفداران نظربایوف در ارتش و دیگر ارگان های نظامی و امنیتی دست بالا را گرفته و وقایع مسیر دیگری را در پیش گیرد. بی جهت نبود که رئیس جمهور قزاقستان از پوتین و ارتش روسیه در برگرداندن ثبات سیاسی و امنیتی تشکر کرد. علت اصلی به میدان فراخوانده نشدن ارتش قزاقستان در ابعادی وسیع جهت سرکوب خیزش ها ترس توکایف از قبضه کردن قدرت توسط جنرال های هوادار نظربایف و کنار زدن او بود. از اولین اقدامات حکومت جدید، همتراز کردن قیمت فروش نفت به چین با همان قیمتی که مسکو به چین نفت می فروشد بود. اقدام دیگر حکومت جدید مصادره کل زمین های کشاورزی و دامپروری و مراعات است که دولت های خارجی کرایه نموده بودند. اقدام بعدی- تلاش برای برگرداندن میلیاردها دلاری است که نظر بایف و طایفه اش از کشور خارج کرده اند.

واکنش سریع در انتقال ۲۵۰۰ نیرو همراه با تجهیزات پپیچیده و سنگین نظامی در مدت کمتر از ۲۴ ساعت دو حالت دارد یا این که روسیه واقعاً توانائی عکس العمل در مدت کوتاه را دارد و یا این که احتمال وقوع چنین حوادثی را از قبل پیش بینی کرده و برای انتقال نیرو تدارک دیده بود.

در حقیقت تضادهای میان امپریالیست ها در قزاقستان نیز یک بازتاب داخلی داشت یعنی جنگ قدرتی که در هیأت حاکمه قزاقستان وجود داشت. یک طرف نظربایف فرد قدرتمندی که در پشت صحنه رفته بود اما هم چنان بسیاری از پست ها و مقام های کلیدی به وابستگان او تعلق داشت. در ارتش در میان جنرال های بلند پایه نیز نفوذ داشت. از طرف دیگر رئیس جمهور توکایف اگر چه توسط نظربایف انتصاب شده بود اما با استفاده از اختیارات ریاست جمهوری، اتکاء به روسیه و استفاده از تنفر مردم از نظربایف، توانست در این شرایط هم نظربایف را از دور خارج کند، هم اعتراضات را سرکوب کند و هم موقعیت روسیه در قزاقستان را تقویت کند و در نتیجه قدرت خود و جناح خود را تقویت کند. این حوادث با تصفیه های شدید در صفوف دولت و ارتش هم چنان ادامه دارد.

هر چند روسیه در شرایط کنونی دست بالا را داشته است، اما با مشکلات فراوانی روبه روست. روسیه سعی دارد در قزاقستان نقش حفاظتی از مناطق ستراتیژیک را بازی کند و نیروهای نظامی - امنیتی قزاقستان را برای کنترل و سرکوب خیزش، رهبری کند و خود درگیر کشتار و سرکوب مستقیم نگردد. در غیر این صورت خطر آن می رود که روسهای قزاقستان مورد حمله قرار گیرند موضوعی که امپریالیست های رقیب نیز بر روی این تضاد حساب باز کرده اند. کشمکش ها نه تنها با این اشغالگری و یکدست کردن حکومت قزاقستان که در عمل یک کودتا بود، پایان نمی یابد، بلکه خود به دور نوبتی از درگیری ها در شرایط تغییر یافته پا خواهد داد.

#### ۴- قزاقستان در پرتو تحولات افغانستان

تغییر و تحولات قزاقستان را نمی توان بی رابطه با تحولات منطقه ئی در نظر گرفت. یکی از مهمترین آن ها تغییر و تحولاتی است که در افغانستان و به قدرت رساندن طالبان توسط امریکا صورت گرفت. این تغییر و تحولات در افغانستان رابطه مستقیمی با تغییر اولویت های امریکا در منطقه دارد و از آن جهت حائز اهمیت است که افغانستان در

همسایگی با چین و در مجاورت چند کشور آسیای میانه قرار دارد که روسیه آن‌ها را جزو "کمر بند امنیتی" خود به حساب می‌آورد. روسیه سال‌هاست که نگران قدرت‌گیری نیروهای بنیادگرای اسلامی در کشورهای آسیای میانه است و چین نیز نگران قدرت‌گیری بنیادگرایی در میان ایغورهاست. به قدرت رساندن طالبان بی‌ربط با چین نگرانی نیست. چرا که به بی‌ثباتی گسترده‌تر منطقه دامن خواهد زد، بی‌ثباتی که ممکن است از طریق نیروهای ارتجاعی بنیادگرا با اتکاء به طالبان در قدرت و درگیر شدن قدرت‌های منطقه‌ئی مانند ترکیه، عربستان سعودی و احتمالاً جمهوری اسلامی از آسیای جنوبی تا چین و جمهوری‌های مسلمان نشین روسیه را در برگیرد. چنین وضعیتی به همان اندازه که برای روسیه و چین نگران‌کننده است برای آمریکا و غرب شرایطی دلخواهی خواهد بود. به قدرت رسیدن طالبان و بی‌ثباتی نسبتاً دائمی در افغانستان پایگاه و پشت جبهه مهمی برای نیروهای بنیادگرای اسلامی در کشورهای آسیای میانه نیز خواهد بود که از تجربیات طالبان و داعش استفاده کنند. سفیر روسیه در آمریکا تا جایی پیش می‌رود که اعتراضات اخیر قزاقستان را متأثر از بنیادگرایی اسلامی بیان می‌کند و اعلام می‌کند که غربی‌ها باعث رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه بوده و معترضان را تقویت می‌کنند. در همین راستا رئیس‌جمهور قزاقستان توکایف هم گفت که ۲۰ هزار افراد دوره دیده و مسلح توسط قدرت‌های بیگانه به شهر آلماتی حمله نمودند. گذشته از واقعیت داشتن یا نداشتن این ادعاها اما بیان نگرانی و ترس آنان از رشد بنیادگرایی اسلامی در این کشورهاست. اگر چه خبرهایی حاکی از نفوذ و قدرت بنیادگرایی اسلامی در این کشورها توسط عربستان و ترکیه پیوسته گزارش شده است.

وهابی‌های تعلیم دیده عربستان در قزاقستان فعال بوده و ظاهراً طرفداران نظریه‌های مانع فعالیت‌های آنها نشده که باعث خشم روسها شده بود. هم چنین تعداد نسبتاً زیادی از جهادی‌ها و داعشی‌هایی که در عراق و سوریه جنگیده و تجربه جنگی آن‌ها را دارند نیز از طرق مختلف به کشورهای آسیای میانه از جمله قزاقستان سرازیر شده‌اند. ترکیه نیز چند هزار بنیادگرای هوادار خود را از سوریه به جمهوری آذربایجان آورده و در منطقه قره باغ نزدیک مرز ایران مستقر کرده است. ترکیه دخالت روسیه و فرستادن نیروی ویژه به قزاقستان را اشغال‌گری نامیده است. ترکیه هم چنین با ایجاد پیمان کشورهای ترک می‌خواهد در آسیای میانه و قفقاز نفوذ کرده و در رقابت با قدرت منطقه‌ئی دست بالا را بگیرد. عملکرد ترکیه در ارتباط با جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان نمونه‌ای از این بلند پروازی‌هاست. اگر چه رابطه روسیه و ترکیه دارای پیچیدگی‌هایی است که مملو از همکاری و تضاد است و چگونگی استفاده ترکیه از نیروهایش در کشورهای آسیای میانه را با مشکل روبه‌رو می‌کند اما به هر حال تهدیدی است که برای کشورهای آسیای میانه و بی‌ثباتی منطقه وجود دارد. این مسأله که می‌تواند تهدیدی برای برخی مناطق ایران باشد ممکن است پای جمهوری اسلامی و سپاه قدس را نیز به این مناطق بکشد و باز هم بر بی‌ثباتی بیشتر بیفزاید. این‌ها همه نتایج رقابت و کشمکش است که منتج از تشدید تضادهای بین امپریالیست‌های آمریکایی و روسیه و چین و متحدین‌شان است و می‌تواند در ادامه این کشمکش به ویژه در اوکراین یا احتمالاً در دیگر مناطق ادامه یابد.

تغییر رژیم در افغانستان در حقیقت واکنش آمریکا و غرب به ظهور چین به مثابه یک قدرت جهانی و همچنین به روسیه است که توانسته ضربات ناشی از فروپاشی بلوک شرق را تاحدی جبران کند و در تلاش است تا دامنه نفوذ خود را گسترش دهد. واکنشی که به خصوص روسیه را مجبور کرده بارها نگرانی خود را در این مورد ابراز کند.

در حقیقت عملکرد کودتا گرانه روسیه و متحدینش در قزاقستان را می‌توان از یک جهت ضد حمله‌ای در پاسخ به برنامه آمریکا در تحولات افغانستان به حساب آورد که آن را یک حرکت تهاجمی علیه منافع روسیه ارزیابی می‌کند. از طرف دیگر حرکت پیشگیرانه‌ای است برای پاکسازی قزاقستان از نیروهای وابسته به غرب و بنیادگرا و تقویت نیروهای وابسته به خود.

این مسأله هنگامی که در یک مقیاس وسیع تر منطقه ای نگریسته می شود از جمله استقرار نیرو در سوریه، تصفیه حساب ها در بلا روس، کشمکش های بسیار خطرناک حول مسأله اوکراین و غیره همگی بیان دوران خطرناک و حساسی است که تضادهای سیستم امپریالیستی ایجاد کرده اند و نشان از وابستگی تحولات به هم دارد.

علی رغم این مسایل، استفاده روسیه و نیروهای طرفدار آن در دولت قزاقستان منجر به یک تصفیه درون حکومتی و شبه کودتائی شد و این موضوع باعث شد که برخی جریانات کلاً اعتراضات مردمی قزاقستان را تخطئه و یا به توطئه روسیه و توکایف تقلیل دهند. اما مبارزات این مردم واقعی است و از دل شرایط زندگی برخاسته است. موقعیت عینی توده های زحمتکش و تجربه مبارزاتی به خصوص در یک دهه اخیر گویای این واقعیت است که اعتراضات اخیر قزاقستان، شورش واقعی مردم ستمدیده و تحت استثمار است. اما به خاطر وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی به احتمال بسیار روسیه و توکایف چنین اعتراضاتی را از قبل پیش بینی کرده بودند و در نتیجه مترصد فرصت بودند که حداکثر استفاده را از چنین شرایطی در صورت وقوع به نفع جناح توکایف و امپریالیست های روسیه به ویژه با توجه به تغییر و تحولات اخیر افغانستان، انجام دهند.

هنگامی که مبارزات مردم از یک رهبری انقلابی و کمونیستی واقعی بهره مند نیست احتمال این که نیروهای مرتجع قدرتمند بتوانند آن را در خدمت به منافع خود جهت دهند کم نبوده و نیست. این را تاریخ مبارزات یک قرن اخیر و به طور مشخص مبارزات مردم ایران و افغانستان بخوبی نشان می دهد که عدم وجود یک آلترناتیو قدرتمند انقلابی و کمونیستی چگونه باعث شده که مبارزات مردم به دست نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم و یا نیروهای بنیاد گرای اسلامی به کج راه و نیستی کشیده شود.

**جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران**

**۸ بهمن [دلو] ۱۴۰۰**